



دستور العمل‌ها و دست‌آوردهای دعا در نهج‌البلاغه

ابراهیم اقبال^۱

مهدی ممتحن^۲

سید مهدی حسینی میلانی^۳

چکیده:

دعا، برترین عبادت و بالاترین رابطه بنده با معبود است. در این امر مهم، بندگان یکنواخت عمل نمی‌کنند و از آداب، اصول و موارد دعا شناخت درستی ندارند و چه بسا در این راه دچار سردرگمی و سرخوردگی شوند. الگو قرار دادن پیامبران الهی، امامان و پیشوایان بر حق، در این مسیر راه‌گشا است. دعا‌های حضرت علی علیه السلام در نهج‌البلاغه، نمونه و ابزاری بس مناسب برای دستیابی به این مقصود است. با بررسی این موارد، آداب دعا همچون: به درگاه خداوند بودن و آغاز و پایان آن با ذکر و حمد و ثنای او بودن؛ اسلوب دعا همانند ساختار جمع داشتن و موضوع آن همانند امور اعتقادی، اخلاقی، مصالح عمومی و حکومتی، نعمت‌های کلی، مالی محدود و نتایج ارزشمند دیگری به دست می‌آید.

واژه‌های کلیدی:

دعا، حضرت علی علیه السلام، نهج‌البلاغه، اسلوب، موضوع، دست‌آورد.

۱. استادیار دانشگاه تهران، eegbal@ut.ac.ir

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، dr.momtahen@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران،

mahdi_milani2000@yahoo.com

۱- طرح مسئله:

یکی از جلوه‌های عبادت خداوند متعال در دعا است. از سوی دیگر بندگان برای دستیابی به مرتبه‌ای بالا در قرب به معبود، از دعا بهره می‌گیرند؛ او را سپاس و ستایش می‌کنند و خواسته‌های خود را از او می‌خواهند. این عبادت و این ارتباط، آداب و دستوراتی دارد که شناخت و به کارگیری آنها به ارتقاء و پیشرفت آن کمک می‌کند و نا آگاهی از آنها به کم‌ارزشی و ناکارآمدی دعا و سردرگمی و سرخوردگی دعا کننده منجر می‌شود.

حال چگونه می‌توان ادب و دستور دعا را به دست آورد و به کار بست؟ در چه اموری می‌توان دعا کرد؟ چه دعاهایی اجابت می‌شود؟ بررسی و پژوهش در این مسئله که با بندگان بسیاری ارتباط دارد، بس ضروری است و با این رویکرد مورد توجه و تحقیق قرار نگرفته است و در نوع خود بی‌سابقه و جدید است.

قرآن مجید و دعاهای گزارش شده در آن از انبیاء و اولیای الهی و سنت نبی اسلام (ص) و دعاهای امامان معصوم علیهم‌السلام، نمونه‌ها و رهنمون‌های بسیار مناسب هستند و بندگان می‌توانند این منابع و این افراد را الگوی خود قرار دهند.

دعاهای حضرت علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه دسته‌ای از این معارف است و می‌تواند چراغ راه بندگان در این مسیر باشد. در این مقاله، دعاهای امیرالمؤمنین علیه‌السلام ادعاهای مثبت و نه نفرین‌ها [در نهج‌البلاغه گردآوری می‌شود و به اعتبار موضوع در پنج بخش: اعتقادی و اخلاقی، حکومتی و سیاسی، جهادی و جنگی، عمومی و کلی، شخصی و مالی تقسیم می‌شود و دعاهای هر بخش گزارش می‌گردد و پس از ترجمه و توضیحی کوتاه، نتایج و دست‌آوردهای آن با رویکرد موضوعی، اسلوبی و ساختاری مورد بررسی و بازیابی قرار می‌گیرد تا بندگان و علاقه‌مندان را فایده‌ای رساند.

۲- دعاهای اعتقادی و اخلاقی:

برخی از دعاهای حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام بیشتر رویکرد اعتقادی و تربیتی و اخلاقی دارد. گرچه همه‌ی دعاها و گفتارها و کردارهای مولا، از اعتقادی یقینی، معرفتی بالا و اخلاقی والا ریشه گرفته است. بررسی این موارد دعا، نتایج ارزشمندی به دست می‌دهد:

۲-۱- دعا برای طاعت و درخواست مغفرت:

یکی از این دعاها در خطبه ۱۹۰ آمده است:

«... اسْتَعْمَلْنَا اللَّهَ وَإِيَّاكُمْ بِطَاعَتِهِ وَطَاعَةِ رَسُولِهِ وَعَفَا عَنَّا وَعَنْكُمْ بِفَضْلِ رَحْمَتِهِ...»
(... خداوند، ما و شما را به طاعت و عبادت خودش و اطاعت از رسولش [ص]
به کار گیرد [و استوار بدارد] و با رحمت بسیارش از ما و شما درگذرد...).

دعای مشابه دیگر در خطبه‌ی ۶۴ نقل شده است:

«... نَسْأَلُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَنْ يَجْعَلَنَا وَ إِيَّاكُمْ مِمَّنْ لَا تُبْطِرُهُ نِعْمَةٌ وَلَا تَقْصُرُ بِهِ عَنْ طَاعَتِهِ رِيَّةً غَايَةً وَلَا تَحُلُّ بِهِ بَعْدَ الْمَوْتِ نَدَامَةً وَلَا كَاثِبَةً...» (... از خداوند سبحان درخواست می‌کنیم که ما و شما را در زمره‌ی افرادی قرار دهد که نعمت‌ها، آنان را گستاخ نمی‌سازد و هدف و غایتی، ایشان را از اطاعت خداوند کوتاه نگرداند و پس از مرگ پشیمانی و اندوهی بر آنان فرا نرسد...).

از این دو دعا، چند نتیجه حاصل می‌شود:

- ۱- بندگان باید توفیق عبادت خداوند و اطاعت از رسول خدا(ص) و شکر نعمت‌ها و مغفرت از گناهان و خوشبختی در جهان آخرت را از خود او درخواست کنند و در این موارد دعا کنند (و نک: خویی، ۲۱۳/۱۱).
- ۲- اطاعت از رسول خدا(ص) در راستای طاعت و اطاعت از خداوند است.
- ۳- بندگان برحق خداوند، پیوسته شکرگزار نعمت‌ها و در حال عبادت او هستند و از همین رو در جهان آخرت نیز خوشبخت و سعادتمند خواهند بود.
- ۴- دعاهای مهم و کلی باید به ساختار جمع باشد و دعا کننده می‌تواند خود را با دعا شوندگان همراه سازد.

۲-۲- دعا برای حق جویی دلها و بردباری جان‌ها:

پایان بخش خطبه‌ی ۱۷۳، دعا برای رهنمون شدن دلها به سوی حق و حقیقت و الهام صبر و شکیبایی بر جان‌ها است:

«... أَخَذُ اللَّهُ بِقُلُوبِنَا وَ قُلُوبِكُمْ إِلَى الْحَقِّ وَ أَلْهَمَنَا وَ إِيَّاكُمْ الصَّبْرَ ...» (... خداوند،

دل‌های ما و شما را به حق رهنمون سازد و به ما و شما صبر القا کند ...».

این سخن مولا علیه السلام دست‌آوردهایی دارد:

۱- حق طلبی دلها و بردباری افراد، از امور مهم است و دستیابی به آن‌ها را باید از خداوند درخواست کرد.

۲- حق جویی، پیش درآمد و ابزار بردباری است.

۳- دعا در امور مهم و کلی، به صیغه‌ی جمع بیان می‌شود.

۲-۳- دعا برای درخواست خشنودی خداوند و بی‌نیازی از غیر او:

خطبه ۹۱ نهج‌البلاغه، معروف به «أشباح» [که موضوع آن خداشناسی است] با مناجات توحیدی و این دعای حضرت علی علیه السلام پایان یافته است:

«... اللَّهُمَّ أَنْتَ أَهْلُ الْوَصْفِ الْجَمِيلِ وَ التَّعْدَادِ الْكَثِيرِ ... فَهَبْ لَنَا فِي هَذَا الْمَقَامِ

رِضَاكَ وَ أَغْنِنَا عَنْ مَدِّ الْأَيْدِي إِلَى سِوَاكَ. إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

(...خداوندا! تو همان سزاوار ستایش تکیو و ستودن بسیار هستی ... پس در این

مقام، خشنودیت را بر ما بیخشای و ما را از درازکردن دست نیاز به غیر خودت

بی‌نیاز گردان، زیرا «تو بر هرچیز توان داری»، آل عمران، ۲۶).

از این دعای ایشان، چند نتیجه گرفته می‌شود:

۱- خشنودی خداوند در همه کار و همه حال و همه چیز باید مورد نظر باشد و درخواست جلب رضایت او می‌تواند موضوع دعا باشد.

۲- دارایی و ثروت تا اندازه‌ای که بنده از دیگر افراد بی‌نیاز باشد خوب و پسندیده است و می‌توان تا آن حد را از خداوند درخواست کرد.

۳- دعا باید با حمد و ثنای خداوند آغاز گردد و با ذکر او پایان یابد.

۴- دعاهای مهم و کلی بهتر است به ساختار جمع باشد.

۲-۴- دعا و درخواست مغفرت برای برخی کوتاهی‌ها:

خطبه ۷۸، طلب مغفرت برای برخی کوتاهی‌ها را گزارش می‌دهد:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا
وَأَيْتُ مِنْ نَفْسِي وَلَمْ تَجِدْ لَهُ وَفَاءً عِنْدِي اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ بِلِسَانِي
ثُمَّ خَالَفَهُ قَلْبِي اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي رَمَزَاتِ الْأَلْحَاطِ وَ سَقَطَاتِ الْأَلْفَاطِ وَ شَهَوَاتِ الْجَنَانِ
وَ هَفَوَاتِ اللِّسَانِ»، (خدایا! مرا بیامرز از آنچه به آن از خود من آگاه تر هستی و
اگر [به گناهی] برگشتم تو با آمرزش باز آی. خداوند! مرا ببخشای بر آنچه [از
اعمال نیک] که از پیش خود تصمیم گرفتم ولی انجام ندادم. پروردگارا! از من
در گذر به خاطر آنچه با زبان به تو نزدیک شدم ولی دلم با آن مخالفت ورزید.
بارها! بر من ببخشای از نگاه‌های اشارت آمیز، سخنان بی‌فائده، خواسته‌های دل
و لغزش‌های زبان).

گرچه این خطبه و این دعا به صورت شخصی و با ساختار مفرد است و در ظاهر به خود
حضرت علی علیه السلام بر می‌گردد، ولی با دقت در دیگر دعا‌های شخصی وی علیه السلام که چنین مواردی
را در بر ندارد و نیز عصمت امام علیه السلام می‌توان نتیجه گرفت که ایشان در مقام آموزش دعا
کردن به یاران و مخاطبان خود می‌باشد و گویا می‌خواهد یاد دهد که در این قبیل کوتاهی‌ها
و لغزش‌ها، روا و سزا باشد تا بندگان دعا کنند یا در صورتی که مراد خود امام علیه السلام باشد، وی
از آنچه میان خود و خدای خود روا نمی‌دارد، بخشش می‌خواهد. به هر حال از این خطبه نیز
می‌توان نتایج گرفت:

- ۱- برای بخشش از کوتاهی‌ها و آمرزش گناهان باید به درگاه خداوند دعا کرد.
- ۲- برخی کوتاهی‌ها و گناه‌ها با دل و چشم و جان و زبان صورت می‌گیرد و برای آمرزش
همه آنها باید دعا کرد.
- ۳- برخی گناهان را فقط خداوند می‌داند و چه بسا گناهی تکرار شود. در همه موارد باید
مغفرت خواست.
- ۴- در دعا برای آمرزش گناهان تصریح به آنها لازم نیست و مد نظر قرار دادن کلی آنها کافی
است.
- ۵- هر شخصی می‌تواند برای بخشش از کوتاهی‌ها و گناهان خود به صورت فردی و با ساختار
مفرد دعا کند.

۶- تکرار نام خداوند «اللَّهُمَّ» و فعل اصلی دعا «أَغْفِرْ» زیبا و پسندیده است و به بلاغت کلام آسیب رسان نیست.

۲-۵- درخواست سلامت در دین و بدن:

سراغاز خطبه ۹۹ بیانگر این دعای مولا علیه السلام است:

«تَحْمَدُهُ عَلَيَّ مَا كَانَ وَ نَسْتَعِينُهُ مِنْ أَمْرِنَا عَلَيَّ مَا يَكُونُ وَ نَسْأَلُهُ الْمُعَافَاةَ فِي الْأَذْيَانِ كَمَا نَسْأَلُهُ الْمُعَافَاةَ فِي الْأَبْدَانِ ...»، (خداوند را بر کارهایی که انجام شده سپاس می‌گوییم و از او در اموری که برایمان واقع می‌شود کمک می‌خواهیم و از او سلامتی [و درستی] در دین و همچنین سلامتی در جسم درخواست می‌کنیم).

نزدیک به این دعا، دیگر ثنا و دعای امیرالمؤمنین علیه السلام است که گویا زیاد می‌خواند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُصْبِحْ بِى مَيْتًا وَ لَا سَقِيمًا وَ لَا مَضْرُوبًا عَلَيَّ عُرُوقِي بِسُوءٍ ... وَ لَا مُرْتَدًّا عَنِ دِينِي وَ لَا مُنْكَرًا لِزَبِي ... اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِي أَوَّلَ كَرِيمَةٍ تَنْتَزِعُهَا مِنْ كَرَائِمِي وَ أَوَّلَ وَدِيعَةٍ تَرْتَجِعُهَا مِنْ وَدَائِعِ نِعْمِكَ عِنْدِي اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَذْهَبَ عَنْ قَوْلِكَ أَوْ أَنْ نُفْتَنَ عَنْ دِينِكَ ...»، (خطبه ۲۱۵؛ ستایش خداوندی را سزااست که مرا مرده و بیمار و دردمند در رگ‌ها ... و برگشته از دین و منکر پروردگارم ... نگرداند. خدا یا! جانم را نخستین نعمت گرانبهایی قرار ده که از من می‌گیری و اولین امانت از نعمت‌های سپرده شده نزد من قرار بده که می‌ستانی. خداوند! به تو پناه می‌بریم از این که از سخن تو بیرون شویم و از دین تو گمراه گردیم).

از این سخن حضرت علیه السلام چنین بر می‌آید:

۱- برگزیدن دین درست و پیروی کردن سالم از آن، امری مهم است و راه یابی و عمل به آن و پایداری بر آن را باید از خداوند درخواست کرد، (و نک: شوشتری، ج ۱۱/۴۳۴، موسوی، ج ۲/۱۵۷).

۲- سلامتی جسم از نعمت‌ها و امانت‌های ارزشمند خداوند است و با انجام درست امور دینی و دیگر امور زندگی، سخت در ارتباط است؛ از همین رو می‌تواند موضوع دعا باشد و بنده

می‌تواند از خداوند بخواهد پیش از آنکه دیگر نعمت‌ها و امانت‌های گرانبها را از او بستاند،
جانش را بگیرد، (و نک: موسوی، ج ۲/ ۱۵۷، دخیل، صفحه ۷۹).

۳- برای رویارویی با خطر بیرون شدن از سخن خداوند و گمراه شدن از دین، باید به خود
او پناه برد.

۴- دعا باید با حمد و سپاس خداوند آغاز شود و در صورت اهمیت و عمومیت، از لفظ جمع
تعبیر گردد.

۳- دعوای حکومتی و سیاسی:

حضرت علی علیه السلام گاهی در مقام امیرمؤمنان و امام و پیشوای مسلمانان برای فرماندهان و
عاملان خود دعا می‌کنند. این موارد، در بخش نامه‌های نهج البلاغه و بیشتر در پایان آنها و
پس از دستورها و سفارش‌های حکومتی و مملکت داری [او سیاسی] ایشان علیه السلام گزارش شده
است. این دعاها عبارتند از:

۳-۱- دعا برای عامل مکه:

امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه‌ای به فرماندار خود در مکه، (قثم بن عباس بن عبدالمطلب)، پس از
دستورات دینی، مردم داری، مصرف اموال و مراسم حج [رک: ابن ابی الحدید، ۳۰/ ۱۸]، در پایان
آن چنین دعا کرد:

«... وَفَقْنَا اللَّهَ وَ إِيَّاكُمْ لِمَحَابَّةِ»، (نامه ۶۷، خداوند ما و شما را در آنچه دوست
دارد توفیق دهد).

از این سخن حضرت علیه السلام نتایجی به دست می‌آید:

- ۱- پیشوا و زمام دار می‌تواند برای فرمانداران [و کارگزاران] خود دعا کند.
- ۲- درخواست توفیق از درگاه خداوند در انجام اموری که خشنودی و رضایت او در آنها
است، خواه امور حکومتی و مملکت داری و خواه همه امور، موضوعی مناسب در دعا برای
فرمانداران است.
- ۳- زمامدار مملکت اسلامی باید به عاملان خود، دستورات ضروری دینی، علمی، مالی و
سیاسی را بدهد.

۴- در همه‌ی امور و حتی در کارهای حکومتی و سیاسی نیز لازم است خشنودی و پسندیده بودن در نزد خداوند رعایت شود.

۵- زمامدار می‌تواند دعا برای فرمانداران خود را، به دعا برای خود، ضمیمه سازد.

۳-۲- دعا برای فرماندار مدینه:

حضرت علی علیه السلام در سال ۳۷ ق، پس از آنکه گروهی از مردم مدینه گریختند و به معاویه پیوستند، طی نامه‌ای به فرماندار خود سهل بن حنیف انصاری چنین دعا کردند:

«أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِمَّنْ قَبْلَكَ يَسْتَلُّونَ إِلَيَّ مُعَاوِيَةَ فَلَا تَأْسَفْ عَلَيَّ مَا يَفُوتُكَ مِنْ عَدَدِهِمْ وَيَذْهَبُ عَنْكَ مِنْ مَدَدِهِمْ ... وَقَدْ عَرَفُوا الْعَدْلَ وَرَأَوْهُ وَ سَمِعُوهُ وَ وَعَوَّهُ ... فَبَعْدًا لَهُمْ وَ سَخِقًا إِنَّهُمْ وَ اللَّهُ لَمْ يَنْفِرُوا مِنْ جُورٍ وَ لَمْ يَلْحَقُوا بِعَدْلٍ وَ إِنَّا لَنُظْمَعُ فِي هَذَا الْأَمْرِ أَنْ يُذِلَّ اللَّهُ لَنَا صَعْبَهُ وَ يُسَهِّلَ لَنَا حَزَنَهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ السَّلَامُ» (نامه ۷۰، پس از یاد خدا و درود، به من خبر داده‌اند که گروهی از ناحیه تو [از مردان مدینه] دزدانه به سوی معاویه می‌گریزند. مبادا برای از دست دادن شمار آنان و از دست رفتن کمک ایشان افسوس بخوری ... اینان، عدالت را شناختند و دیدند و شنیدند و به خاطر سپردند ... از رحمت خدا به دور باشند و نابود باد! سوگند به خدا، آنان از ستم نگریختند و به حق نپیوستند. در [خصوص] این کار، ما آرزو می‌کنیم که خداوند سختی‌ها را بر ما آسان کند و ناهمواری [و ناهنجاریش] را هموار سازد. با خواست خدا و با درود).

این نامه، دست‌آوردهایی دارد:

- ۱- زمامدار و فرماندار، هنگام رویارویی با امور سخت مملکت داری؛ مثل از دست دادن سپاهیان، نیز باید به یاد خدا باشند و برای برطرف شدن آن سختی‌ها و گذر از آن ناهمواری‌ها دعا کنند.
- ۲- بر پیشوا لازم است، امور مملکتی شهرها و مراکز خود را زیر نظر داشته باشد و در صورت بروز مشکل با فرماندار خود همراهی و همدردی کند، (و نک: خوئی، ۲۰ / ۳۹۵).
- ۳- در مملکتی با رهبر و فرمانداران عادل، چه بسا افرادی، حق و عدالت را ببینند و بشناسند

ولسی به دلیل دنیا طلبی، از آن روی بگردانند و به دشمن پناه برند؛ این چنین افرادی، سزاوار نفرین و نابودی هستند و می‌توان در مورد آنان نفرین کرد، (و نک: موسوی، ۱۷۸/۵).
 ۴- زمامدار می‌تواند دعا برای فرمانداران خود را با دعا برای خود همراه کند.
 ۵- دعا به درگاه خداوند است و بهتر است ذکر او بر زبان آید و نفرین هم گرچه چنین است ولی می‌تواند بدون تصریح به ذکر خداوند باشد.

۳-۳- دعا برای گشایش در امور حکومتی:

مولی علی علیه السلام در سال ۳۸ ق، پس از شهادت محمد بن ابوبکر در مصر، طی نامه‌ای به عبد الله بن عباس خطر سقوط مصر و شهادت وی را می‌دهد و او را می‌ستاید و تشویق خود را برای حمایت مردم از او و در عین حال ناخشنودی آنان و بهانه دروغ آوردن و یاری نکردن او را اظهار می‌دارد. سپس این گونه خواسته و دعای خود را بر زبان می‌آورد:

«... أَسْأَلُ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يُجْعَلَ لِي مِنْهُمْ فَرَجًا عَاجِلًا...» (نامه ۳۵، از خداوند متعال

درخواست می‌کنم که برای من از دست این مردم، گشایشی زود قرار دهد).

این کلام مولی علیه السلام نتایجی به دست می‌دهد:

- ۱- زمامدار می‌تواند هنگام بروز مشکلات حکومتی و همکاری نکردن مردم و از دست دادن فرمانداران، برای خود دعا کند.
- ۲- دعای زمامدار برای امور حکومتی مربوط به خود [در صورت بروز مشکلات و عدم همراهی مردم] می‌تواند درخواست گشایش از خداوند در امور زمامداری و سیاسی باشد.
- ۳- زمامدار می‌تواند برخی از امور حکومتی خود را به صورت مکتوب به دیگر یاران خود گزارش دهد.
- ۴- ناپسندی و ناخشنودی مردم ممکن است به ازدست رفتن مسئولان و تنگ شدن عرصه بر زمامدار بیانجامد.
- ۵- خداوند، نگهدار و پشتیبان رهبران برحق است.

۳-۴- دعا برای توفیق در امور حکومتی:

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در عهد نامه خود به مالک اشتر نخعی، آنگاه که وی را در سال

۳۸ ق او بعد از به هم ریخته شدن اوضاع مصر و کشته شدن محمد بن ابوبکر] به ولایت مصر گماشت، در نامه‌ای طولانی پس از دستورات و سفارش‌های جامع در زمینه‌های عبادی، خودسازی، اخلاقی، برخوردی، راز داری، روابط اجتماعی، شناخت طبقات اجتماعی، نظامی، قضایی، کارگزاران، دبیران، بازرگانان، صنعتگران، تهیدستان، خویشاوندان، دشمنان و برخی همدارها، در خاتمه نوشته خود، چنین نگاشت:

«... وَ أَنَا أَسْأَلُ اللَّهَ بِسَعَةِ رَحْمَتِهِ وَ عَظِيمِ قُدْرَتِهِ عَلَىٰ إِعْطَاءِ كُلِّ رَغْبَةٍ أَنْ يُوقِفَنِي وَ إِيَّاكَ لِمَا فِيهِ رِضَاهُ مِنَ الْإِقَامَةِ عَلَى الْعُذْرِ الْوَاضِحِ إِلَيْهِ وَ إِلَىٰ خَلْقِهِ مَعَ حُسْنِ الثَّنَاءِ فِي الْعِبَادِ وَ جَمِيلِ الْأَثَرِ فِي الْبِلَادِ وَ تَمَامِ النُّعْمَةِ وَ تَضْعِيفِ الْكِرَامَةِ وَ أَنْ يَخْتَمَ لِي وَ لَكَ بِالسَّعَادَةِ وَ الشَّهَادَةِ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا وَ السَّلَامُ»
(نامه ۵۳، من از خداوند می‌خواهم که با رحمت گسترده اش و قدرت بزرگش در برآورده شدن هر خواسته‌ای من و تو را به آنچه که در آن خشنودی اوست، موفق گرداند که نزد او و خلق او، عذری روشن داشته باشیم و از سخنان زیبا در میان بندگان و آثار خوب در شهرها و رسیدن به نعمت‌ها و افزودن کرامت‌ها برخوردار باشیم و این که پایان زندگی من و تو را سعادت و شهادت قرار دهد که ما تنها به سوی او باز می‌گردیم. سلام بر رسول خدا - که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد، سلامی فراوان و پیوسته - با درود.

این دعای حضرت علیه السلام نیز نتایجی به دست می‌دهد:

- ۱- زمامدار، می‌تواند برای توفیق فرماندار خود در کلیه امور خدمتی و کلیه کارهایی که مورد رضایت خدا و خلقش می‌باشد، دعا کند.
- ۲- زمامدار باید هوشیارانه توصیه‌ها و دستورات لازم را به فرمانداران خود گوشزد کند.
- ۳- در امور مملکت داری، خشنودی خداوند، رضایت مردم، جويا شدن گفتار خوب، آثارخیر، آبادانی و کرامت انسانی باید مورد نظر و توجه باشد.
- ۴- تلاش در امور مملکتی تا سرحد جان مطلوب و نهایت خوشبختی در آن راه، شهادت است.
- ۵- کشته شدن در امور مملکتی نیز شهادت در راه خداست.

- ۶- دعا می‌تواند از درگاه خداوند و با حمد و ثنای او آغاز شود و با سلام و درود بر رسول خدا(ص) و خاندان پاکش علیهم‌السلام همراه باشد (و نک: نهج البلاغه، خ ۱۵۷، ح ۳۶۱؛ اویس، ۱۸۸).
- ۷- دعا و درود بر رسول خدا(ص) لازم است با سلام و درود بر خاندان پیامبر(ص) همراه باشد (و نک: شوشتری، ۱۵۸/۱ - ۱۵۹، بحرانی، ۴۶۵/۸، جواهری، ۲۶۱/۱۰ - ۲۶۲، همدانی، ۱ق۲/۱ - ۲۷۰/۱، خوئی، ۲۵۵/۱۵، شهرستانی، ۳۳۳/۱، آمینی، ۳۰۳/۲، احمدی میانجی، ۵۵۵/ مکارم شیرازی، ۳۴۳/۱۳، قندوزی، ۳۷/۱، میلانی، ۵۷۰/۴، موسوی، ص ۳۳۳ - ۳۳۸، مظفر، ۱۰۸/۵ - ۱۰۹، آمینی، ص ۳۶ - ۳۷، حسینی فیروزآبادی، ۲۲۳/۱، مرعشی، ۶۳۶/۹، ۶۳۷).
- ۸- دعای زمامدار بر حق، در مورد خود و فرماندارانش، به هدف اجابت بس نزدیک است.

۴- دعا‌های جهادی و جنگی:

چند دعای حضرت امیر علیه‌السلام بوی جهاد و جنگ دارد و خواسته‌های وی علیه‌السلام را از درگاه خداوند، هنگام عزم سفر جنگ، رسیدن به سپاه مخالف و پیش از درگیری و نیز صف آرایی و هنگام ورود به کارزار را گزارش می‌دهد:

۴-۱- دعا هنگام آهنگ جنگ و کارزار:

نامه ۱۵ نهج البلاغه، نشانگر دعا و خواسته مولی علیه‌السلام هنگام آهنگ کارزار و پیش از رویارویی با دشمنان است:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَفْضَتِ الْقُلُوبُ وَ مَدَّتِ الْأَعْنَاقُ وَ شَخَّصَتِ الْأَبْصَارُ وَ نَقَلَتِ الْأَقْدَامُ وَ أَنْضَيْتِ الْأَبْدَانُ. اللَّهُمَّ قَدْ صَرَخَ مَكُونُ الشَّنَانِ وَ جَاشَتْ مَرَاجِلُ الْأَضْغَانِ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ غَيْبَةَ نَبِينَا وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ تَشْتَّتْ أَهْوَانِنَا. رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ.» (خداوند! به سوی تو دل‌ها رسیده و گردن‌ها کشیده شده و نگاه‌ها دوخته شده و گام‌ها رسیده و بدن‌ها لاغر شده است. خدایا! دشمنی‌های پنهان، آشکار گشته و دیک‌های کینه به جوش آمده است. بارخدا یا! از نبود پیامبرمان و فراوانی دشمنانمان و پراکندگی خواسته‌هایمان به درگاه تو شکایت می‌کنی؛ «اعراف، ۸۹؛ پروردگارا! میان ما و گروه [دشمنان] ما بحق گشایشی فرما که تو از بهترین گشایشگران هستی»).

بنا به گفته ابن ابی الحدید، این جملات در دعای منسوب به امام زین العابدین نیز یافت می‌شود و چه بسا کلام امام علی علیه السلام در سخن او (علی بن حسین) باشد (رک: ۱۱۳/۱۵).

این دعای حضرت علیه السلام چند دست‌آورد دارد:

- ۱- هنگام جنگ و رویارویی در میدان کارزار می‌توان دعا کرد (و نک: ابن میثم بحرانی، ۳۸۶/۴).
- ۲- در دعای جنگ، توجه به خداوند و توصیف جنگجویان یار و همراه و نیز برزبان آوردن دلیل بروز جنگ، و درخواست گشایش و برون رفت درست از آن، با تدبیر و تقدیر خداوند بجا و پسندیده است، (و نک: بحرانی، ۳۸۵/۴).
- ۳- در جنگ لزوماً نباید نابودی و هلاکت گروه مقابل را درخواست کرد بلکه دعا برای پایان یافتن درست و برحق آن ضروری است.
- ۴- ظهور دشمنی‌های پنهان و بروز کینه‌های نهفته، عامل بسیاری از جنگ‌ها و کارزارها است، (و نک: مغنیه، ۴۲۲/۳).
- ۵- فقدان نبی اسلام (ص) و ائمه معصومین علیهم السلام و اولیای برحق خداوند و از سوی دیگر فراوان بودن دشمن و نبود همدلی‌ها، نگران کننده و آزار دهنده است (و نک: مجلسی، محمد تقی، ۱۸۱/۵).
- ۶- در دعا می‌توان، کلام خداوند و سخن نبی اکرم (ص) و ائمه هدی علیهم السلام را عیناً به کار گرفت، (و نک: خوئی، ۱۸ / ۱۷۰ - ۱۸۱).

۲-۴- دعا برای جنگجویان رویارو:

امیرالمؤمنین علیه السلام برای جنگجویان مقابل و در حال نبرد با خود نیز دعا می‌کند و به یارانش فرمان می‌دهد که در مورد آنان چنین کنند. خطبه ۲۰۶ گزارشگر این دعا و فرمان است:

«إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّابِينَ وَ لَكِنِّكُمْ لَوْ وَصَفْتُمْ أَعْمَالَهُمْ وَ ذَكَرْتُمْ حَالَهُمْ
كَانَ أَصُوبَ فِي الْقَوْلِ وَ أْبْلَغَ فِي الْعُدْرِ وَ قَلْتُمْ مَكَانَ سَبِّكُمْ إِيَّاهُمْ اللَّهُمَّ اخْقِنْ دِمَاءَنَا
وَ دِمَاءَهُمْ وَ أَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَ بَيْنَهُمْ وَ أَهْدِهِمْ مِنْ ضَلَالَتِهِمْ حَتَّى يَعْرِفَ الْحَقَّ مِنْ
جَهْلِهِ وَ يَرْعُوِي عَنِ الْغَيِّ وَ الْعُدْوَانِ مِنْ لَهْجِ بِهِ» (من خوش ندارم که شما دشنام
بدهید ولی اگر کارهایشان را توصیف کنید و حالاتشان را یاد کنید، گفتاری بهتر

و عذر پذیر است و به جای دشنام دادن به آنان، چنین بگویید [و این گونه دعا کنید]: خدایا! خون‌های مان و خون‌هایشان را حفظ کن و میان ما و آنان صلح [و آشتی] ایجاد کن و آنان را از گمراهیشان هدایت کن تا کسی که حق را نمی‌داند، بشناسد و هرکس که سخن از گمراهی و دشمنی به زبان می‌آورد، از آن باز گردد).

این ماجرا هنگام جنگ صفین روی داده است که دسته‌ای از یاران حضرت علیه السلام زبان به دشنام و ناسزا گویی سپاهیان شام [پدران و مادران و نسب‌های آنان و نیز ترس و خسیس بودن و پستی آنان] گشوده بودند. ایشان ضمن ابراز ناخوشایندی خود از این که یارانش حتی به دشمنان در حال جنگ با خود دشنام دهند، به آنان سفارش می‌کنند که تنها عملکرد ایشان را بازگو کنند و به جای ناسزا گویی، در مورد خودشان و آنان دعا کنند (رک: ابن ابی الحدید، ۲۳/۱۱). از این خطبه نتایجی بدست می‌آید:

- ۱- برای دشمن در حال جنگ نیز می‌توان دعا کرد.
- ۲- در هنگام جنگ، باید از درگاه خداوند برای حفظ جان و جسم همه سپاهیان چه همراهان و چه رویارویان، ایجاد صلح و آشتی، نجات از گمراهی، شناخت حق و برگشت از گمراهی و دشمنی دعا کرد.
- ۳- دشنام در همه احوال و در مورد همه افراد حتی دشمن در حال جنگ ناپسند است و باید از آن پرهیز داد و برحذر داشت.
- ۴- فرمانده باید در جنگ، مراقب رفتار و گفتار افراد خود باشد و از امر به معروف و نهی از منکر آنان کوتاهی نرورد.
- ۵- در جنگ‌ها باید تا حد امکان از درگیری و خونریزی خودداری شود و جان و جسم همه افراد حفظ شود، (و نک: عاملی، ۱۱، ۲۱۱).
- ۶- در صورت بروز جنگ، باید درصدد پایان دادن به آن و ایجاد صلح و آشتی بود.
- ۷- نادانی، حق‌نشناسی و گمراهی، عوامل رویارویی و درگیری سپاهیان باطل با حق است و ایجاد آگاهی و شناساندن حق و هدایت آنان، رهایی بخش است.
- ۸- دعا‌های مهم و فراگیر همانند حفظ جان، جلوگیری از جنگ، برقراری صلح، درخواست

شناخت و هدایت، باید به صورت و ساختار جمع باشد و دعا کنندگان می‌توانند خود را در زمره دعا شونده‌گان قرار دهند.

۴-۳- دعا هنگام درگیری در جنگ:

حضرت امیر علیه السلام در خطبه‌ای دیگر، هنگام بروز جنگ و پیش از ورود به درگیری دعا می‌کند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ الْمَرْفُوعِ وَالْجَوِّ الْمَكْفُوفِ ... وَ رَبَّ هَذِهِ الْأَرْضِ الَّتِي جَعَلْتَهَا قَرَارًا لِلْأَنْسَامِ وَمَدْرَجًا لِلْهَوَامِّ وَالْأَنْعَامِ وَمَا لَا يُحْصَى مِمَّا يُرَى وَمَا لَا يُرَى ... إِنَّ أَظْهَرَنَا عَلَى عَدُوِّنَا فَجَنَّبْنَا الْبَغْيَ وَسَدَدْنَا لِلْحَقِّ وَإِنْ أَظْهَرْتَهُمْ عَلَيْنَا فَارْزُقْنَا الشَّهَادَةَ وَاعْصِمْنَا مِنَ الْفِتْنَةِ» (خطبه ۱۷۱، خداوند! ای صاحب آسمان برافراشته و فضای نگه داشته، ای مالک این زمین که آن را [مکان] سکونت [و آرامش و قرار گرفتن] افراد انسان و خاستگاه [محل] خزندگان [حشرات] و چارپایان و پدیده‌های دیدنی و نادیدنی بشمار قرار داده‌ای ... اگر ما را بر دشمن پیروز ساختی از ستم کردن به دور ساز و بر حق استوار داغر و چنانچه آنان را بر ما پیروز کنی، شهادت را روزیمان گردان و ما را از [ورود] به فتنه و نیرنگ نگهدار).

علی علیه السلام این خطبه و این دعا را در سال ۳۷ ق، پیش از ورود به درگیری در جنگ و کارزار، ایراد کرد.

- ۱- در زمان جنگ و پیش از ورود به درگیری و بروز ضد و خورد و کشت و کشتار [و پس از تلاش در جهت جلوگیری از درگیری و ایجاد صلح و ناگزیری از آن] می‌توان دعا کرد.
- ۲- در صورت ورود به جنگ و درگیری، احتمال پیروزی و شکست هر دو وجود دارد و باید توجه داشت که هر دو این‌ها و همه امور به خواست خداوند است و می‌توان در صورت پیروزی، خودداری از ظلم و ستم و استواری در راه حق و در حال شکست، توفیق شهادت و نگهداری از ورود به فتنه را از او (خداوند) درخواست کرد.
- ۳- در زیر آسمان خداوند و روی زمین او که محل زندگی و آرامش و سکونت انسان‌ها و حیوان‌ها است نباید جنگ و درگیری روی دهد.

۴- جنگ و کشتار، آرامش و امنیت افراد انسان و حتی حیوانات و محیط زیست را به هم می‌زند.

۵- سپاه پیروز در جنگ، نباید به ظلم و تجاوز و تخریب روی آورد و خداوند و راه حق او را از یاد ببرد.

۶- سپاه حق [در صورت درگیری] باید با نهایت توان و تا سرحد جان بجنگد، گرچه با شهادت سپاهیان و شکست در جنگ بیانجامد.

۷- فتنه انگیزی، فریبکاری، و آشوب گری از قتل (کشتن و کشته شدن) بدتر و ناپسندتر است.

۸- دعا در امور مهم را باید با حمد و ثنای خداوند و متناسب با موضوع خواسته آغاز کرد.

۹- دعای کلی و فراگیر را لازم است با لفظ و تعبیر جمع مطرح کرد.

۵- دعاهای عمومی و کلی:

چند دعای نهج البلاغه فراگیر و کلی است، به این اعتبار که به فردی خاص و یا اشخاصی معین، محدود نمی‌شود بلکه افرادی عام و بسیار را شامل می‌شود؛ مثل دعا برای نزول بارا که برای افراد زیادی و حتی حیوانات و گیاهان و طبیعت فائده دارد یا دعا برای مسافران و نوزادان.

۵-۱- دعا برای بارش باران:

در دو خطبه از سخنان امیر مؤمنان علیه السلام برای نزول باران دعا شده است. یکی همه خطبه ۱۱۵ است که بخش‌هایی از آن، این گونه است:

«اللَّهُمَّ قَدْ انْصَحَتْ جِبَالُنَا وَ اغْبَرَّتْ أَرْضُنَا وَ هَامَتْ دَوَابُّنَا وَ تَحَيَّرَتْ فِي مَرَابِضِهَا وَ عَجَبَتْ عَجِيجُ الثَّكَالِي عَلَى أَوْلَادِهَا ... اللَّهُمَّ فَارْحَمْنَا أَيْنَ الْآتَةِ وَ حَنِينِ الْحَائَةِ ... اللَّهُمَّ خَرِّجْنَا إِلَيْكَ حِينَ اعْتَكَرَتْ عَلَيْنَا حَدَابِيرُ السَّنِينِ وَ أَخْلَفْتَنَا مَخَايلُ الْجُودِ فَكُنْتَ الرَّجَاءَ لِلْمُبْتَسِسِ وَ الْبَلَاعَ لِلْمُلْتَمِسِ نَدْعُوكَ حِينَ قَطَطَ الْأَنْثَامُ وَ مُنِعَ الْعَمَامُ وَ هَلَكَ السَّوَامُ. أَلَّا تُوَاخِذَنَا بِأَعْمَالِنَا وَ لَا تَأْخِذَنَا بِذُنُوبِنَا. وَ انْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِالسَّحَابِ الْمُنْبَعِقِ وَ الرَّبِيعِ الْمُعْدِقِ وَ النَّبَاتِ الْمُوْنِقِ سَحَاءً وَ آبِلًا تُحْيِي بِهِ مَا قَدْ مَاتَ وَ تَرُدُّ بِهِ مَا قَدْ فَاتَ. اللَّهُمَّ سَفِّئَا مِنْكَ مُحِبِّيَّةَ مُرُوبِيَّةٍ تَامَّةٍ عَامَّةٍ طَيِّبَةً مُبَارَكَةً

... اللَّهُمَّ سُقِيَا مِنْكَ تُعْشِبُ بِهَا نَجَادُنَا وَ تَجْرِي بِهَا وَهَادُنَا وَ يُخْصِبُ بِهَا جَنَابُنَا وَ تُقْبِلُ بِهَا ثَمَارُنَا وَ تَعِيشُ بِهَا مَوَاشِينَا ... مِنْ بَرَكَاتِكَ الْوَاسِعَةِ وَ عَطَايَاكَ الْجَزِيلَةِ عَلَى بَرِيَّتِكَ الْمُرْمَلَةِ وَ وَخْشِكَ الْمُهْمَلَةِ ... فَإِنَّكَ تَنْزِلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَ تَنْشُرُ رَحْمَتَكَ وَ أَنْتَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ» (خداوند! کوه هایمان [از بی آبی] درز برداشته و زمینمان غبار آلود گشته و دامهایمان بی حال [و بی رمق] گشته و در آغلها سرگردان شده و به سان زنان مصیبت دیده بر بچه های خود، ناله می زنند... خداوند! بر ناله گوسفندان و فریاد ماده شتران رحم کن ... خدایا! هنگامی به سویت بیرون آمدیم که خشکسالی پیاپی هجوم آورده و ابرهای پرباران بر ما پشت کرده. خدایا! تو امید هر بیچاره و رساننده به درخواست هر التماس کننده ای هستی. تو را می خوانیم هنگامی که مردم نومید شده اند و ابرها [بی رحمت و باران] بازداشته شدند و حیوانات نابود گشته اند. از تو می خواهیم ما را به واسطه کارهایمان عذاب نکنی و به خاطر گناهانمان کیفر ندهی. [خدایا!] رحمتت را با ابر پر باران و بهار پر آب و گیاه زیبا بر ما نازل گردان، بارانی درشت دانه که مردگان را با آن زنده کنی و از دست رفته ها را بازگردانی. خداوند! از تو بارانی زنده کننده، سیراب سازنده، کامل، فراگیر، خوب، پربرکت و ... می خواهیم. خدایا! از تو بارانی درخواست می کنیم که زمین های بلندمان [دامنه ها و تپه ها] پر گیاه شود و در زمین های پستمان [دشتهایمان] روان گردد و پیرامونمان پر حاصل شود و میوه هایمان رو آور گردد و چارپایانمان زنده [و زیاد] گردد ... اینها همه از برکت های گسترده ات و بخشش های فراوانت بر مردم بینوایت و حیوانات وحشی سرگردانت باشد ... تنها تو باران را پس از نومید شدن مردم فرو می فرستی و رحمتت را می گسترانی و تو تنها همان سرپرست ستودنی هستی).

این دعا را گویا حضرت علی علیه السلام در کوفه و بیرون آن و پس از بروز خشکسالی ایراد کرده اند.

دعای دوم، نیمه ی پایانی خطبه ۱۴۳ نهج البلاغه است:

«اللَّهُمَّ إِنَّا خَرَجْنَا إِلَيْكَ مِنْ تَحْتِ الْأَسْتَارِ وَالْأَكْمَانِ وَبَعْدَ عَجِيجِ الْبَهَائِمِ وَالْوِلْدَانِ، رَاغِبِينَ فِي رَحْمَتِكَ وَرَاجِينَ فَضْلَ نِعْمَتِكَ وَخَائِفِينَ مِنْ عَذَابِكَ وَنِقْمَتِكَ. اللَّهُمَّ فَاسْقِنَا عَيْشَكَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ وَلَا تُهْلِكْنَا بِالسُّنَيْنِ وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ إِنَّا خَرَجْنَا إِلَيْكَ نَشْكُو إِلَيْكَ مَا لَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَلْبَاجَتْنَا الْمَضَائِقُ الْوَعْرَةَ وَ أَجَاءَتْنَا الْمَقَاحِطُ الْمُجْدِبَةُ ... اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَلَّا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ وَلَا تَقْلِبْنَا وَاجِمِينَ وَلَا تُخَاطِبَنَا بِذُنُوبِنَا وَلَا تَقَابِسْنَا بِأَعْمَالِنَا. اللَّهُمَّ انشُرْ عَلَيْنَا عَيْشَكَ وَبَرَكَتَكَ وَرِزْقَكَ وَرَحْمَتَكَ وَاسْقِنَا سُقْيَا نَاقِعَةَ مُرُوبَةٍ مُعْشِيَةً تُنْبِتُ بِهَا مَا قَدْ فَاتَ وَ تُحْيِي بِهَا مَا قَدْ مَاتَ، نَافِعَةَ الْحَيَا، كَبِيرَةَ الْمُجْتَنِّي، تُرْوِي بِهَا الْقِيَعَانَ وَتَسِيلُ الْبُطْنَانَ وَتَسْتَوْرِقُ الْأَشْجَارَ وَتُرْخِصُ الْأَسْعَارَ إِنَّكَ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ» (پروردگارا! ما از سراپرده‌ها و خانه‌ها و خیمه‌ها و پس از شیون حیوانات و ناله فرزندان در حالی که رحمت را دوست داریم و به بهترین نعمت امید داریم و از کیفر و گرفتاریت ترسانیم، به سویت آمده ایم. خدایا! ما را با بارانت سیراب گردان و ما را از نومیدان قرار نده و با خشکسالی [و قحطی] تباہ مکن. ای مهربان‌ترین مهربانان. بار خداوند! به سویت آمده ایم در حالی که از چیزهایی ناله می‌کنیم که بر تو پوشیده نیست زیرا تنگناهای ترسناک ما را بیچاره کرده و خشکسالی ما را به ستوه آورده. پروردگارا! از تو می‌خواهیم که ما را نا امید برنگردانی و دل‌سرد و دل شکسته مان نسازی. و به واسطه گناهانمان ما را به سختی نیافکنی و به خاطر اعمالمان ما را نیازمایی. خدایا! باران و برکت و روزی و رحمت را بر ما فرو فرست و ما را با بارانی سودمند، سیراب کننده، گیاه رویاننده که از دست رفته‌ها را می‌رویاند و مردگان را زنده می‌کند، آبیاری کن. بارانی سودمند برای جانداران، بسیار کننده محصولات، سیراب کننده تپه‌ها، سیلاب زننده دره‌ها، پربرگ کننده درخت‌ها و پایین آورنده قیمت‌ها (آل عمران، ۳۶؛ زیرا تو به آنچه بخواهی توان داری).

در بخش نخست همین خطبه، مطالب والا قدری آمده است که با بخش دوم و دعای باران ارتباط کامل دارد. توجه به این مطلب، که زمین و آسمان فرمانبردار پروردگار هستند

و از ناحیه خداوند چنین دستور یافته‌اند که سود برسانند و در جهت مصلحت انسان باشند. از این رو نعمت‌های زمینی و آسمانی همه با تدبیر و تقدیر و فرمان خداوند است و آن دو [زمین و آسمان] برکت‌های خود را به خاطر دلسوزی بر انسان و نزدیک شدن به آنان و امید به خیر از ایشان ارزانی نمی‌دارند. مطلب دیگر آزمودن بندگان با کاستن محصولات، بازداشتن برکات و بستن خیرات هنگام ارتکاب کارهای بد و گناه است تا بنده به درگاه خداوند برگردد و توبه کند و یادآور شود. خداوند درخواست آمرزش و توبه را راهی برای ادامه روزی و نزول رحمت بر خلق قرار داده است (و نیز رک: ابن ابی الحدید، ۷۷/۹-۷۸) گرچه هر دو دعای یاد شده در اسلوب، جان مطالب، محتوی، الفاظ و نتایج مشترکات زیادی دارد. برخی از نتایج مهمی که از این دو دعای حضرت علیه السلام بر می‌آید، چنین است:

- ۱- در مورد نزول باران که یکی از رحمت‌ها و نعمت‌های خداوند است و به افراد انسان، حیوانات، گیاهان و زمین حیات و نشاط می‌دهد و نیز دیگر نعمت‌های عمومی و فراگیر و حیاتی می‌توان دعا کرد.
- ۲- علاوه بر انسان‌ها، برای حیوانات اهلی و وحشی، گیاهان، درخت‌ها زمین، کوه‌ها، تپه‌ها و کشتزارها نیز می‌توان دعا کرد.
- ۳- دعا و نماز باران، باید به صورت جماعت و در زیر آسمان و بیرون از خانه و خیمه و حتی خارج از شهر باشد.
- ۴- دعا و نماز باران، لازم است به امامت امامان معصوم علیهم السلام و اولیای الهی باشد.
- ۵- یکی از وظایف پیشوایان و زمامداران برحق، اقامه نماز و دعای باران است.
- ۶- آغاز دعا و جای جای آن و پایانش باید با ذکر و یاد خداوند و از درگاه او باشد و تکرار نام او بر زیبایی دعا می‌افزاید و کثرت تکرار به بلاغت آن آسیبی نمی‌رساند.
- ۷- گرچه خداوند به همه چیز و همه امور علم دارد و از جمله سختی‌ها را می‌داند؛ ولی لازم است دعا کننده به خاطر یادآوری خود، مشکلات و سختی‌هایی را که سبب آن دعا گردیده، بر زبان آورد.
- ۸- ارتکاب گناه و انجام کارهای بد، چه بسا سبب محرومیت از رحمت و نعمت خداوند شود. به بروز سختیها و نا ملایقات بیانجامد؛ ولی با توبه و استغفار می‌توان به درگاه خداوند برگشت و ادامه رحمت‌ها و نعمت‌های او را درخواست کرد.

- ۹- دعا، به ویژه دعاهای عمومی و کلی باید به صورت گروهی و جمعی و با لفظ جمع باشد.
 ۱۰- در دعاهای مهم و کلی، اصرار و سماجت و امیدواری لازم است.

۵-۲- دعای سفر:

دعا هنگام سفر، موضوع یکی دیگر از خطبه‌های نهج‌البلاغه است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ وَ كَأْبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَ سُوءِ الْمُنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَ أَنْتَ الْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ وَ لَا يَجْمَعُهُمَا غَيْرُكَ لِأَنَّ الْمُسْتَخْلَفَ لَا يَكُونُ مُسْتَضْحَبًا وَ الْمُسْتَضْحَبُ لَا يَكُونُ مُسْتَخْلَفًا»
 (خطبه ۴۶، خداوند! از سختی سفر و اندوه بازگشت و نگاه بد در خانواده و مال و فرزند به تو پناه می‌برم؛ خداوند! تو در سفر همراه هستی و [در وطن] نسبت به خانواده سرپرست [هستی] و اینها تنها در تو جمع شود زیرا آن کس که سرپرست بازماندگان است نمی‌تواند در سفر همراه باشد و آن که همراه و همسفر است نمی‌تواند سرپرست بازماندگان باشد).

- بخشی از این دعا از رسول خدا(ص) است و بخش دیگر را [وَلَا يَجْمَعُهُمَا غَيْرُكَ تا آخر] حضرت علی عليه السلام بر آن افزوده است.
- گویا این دعا را حضرت عليه السلام در سال ۳۷ ق هنگام سفر به شام برای جنگ با معاویه و یاران او و در حالی که پا در رکاب می‌گذاشت، بیان کرد (رک: ابن ابی الحدید، ۱۶۵/۳-۱۶۶).
- از این کلام حضرت عليه السلام چند نتیجه می‌توان برداشت کرد:
- ۱- هنگام سفر و سختی‌ها و دوری‌های آن می‌توان به درگاه خداوند دعا کرد، (و نک: مکارم شیرازی، ۵۱۶/۲).
 - ۲- مسافر می‌تواند هم برای خود و هم بازماندگان و حتی اموال خود دعا کند و خود را در برابر سختی‌ها، خطرات و دلتنگی‌های سفر به خدا بسپارد و خانواده و دارایی را هنگام نبود خود در پناه او رها کند.
 - ۳- در همه احوال، مالک و نگهدار همه افراد و همه چیز خداوند است و توجه به این امر، هنگام سختی‌ها و دوری‌ها و خطرات ضروری است؛ گرچه در همه حال باید به او پناه برد.

۴- در حال سفر، بهتر است خداوند با صفتی متناسب، سپاس و ستایش شود.
۵- مسافر در دعای خود، می‌تواند سختی‌ها و دل‌نگرانی‌های خود را بر زبان آورد؛ گرچه این یادآوری برای خود اوست و خداوند بر همه چیز آگاه است.

۵-۳- آموزش دعا در تولد نوزاد:

حضرت علی علیه السلام در یک مورد، در مقام آموزش دعا در مورد تولد نوزاد برآمده است. شخصی در حضور حضرت علیه السلام تولد فرزند مردی دیگر را با این عبارت و گفتار مشهور جاهلی تبریک گفت: «لِيَهْنِتَكَ الْفَارِسُ»، (قدم دلاور تک سوار بر تو مبارک باد). ایشان علیه السلام ضمن نهی از این نحوه تبریک گفتن، دعا در هنگام ولادت نوزاد را این چنین به او امر کرد:

«لَا تَقُلْ ذَلِكَ وَ لَكِنْ قُلْ: شَكَرْتُ الْوَاهِبَ وَ بُرِكَ لَكَ فِي الْمَوْهُوبِ، وَ بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ رَزَقْتَ بِهِ»، (حکمت ۳۵۴، این گونه [تبریک] نگو، بلکه به او بگو: خدای بخشنده را شکرگذار باش و نوزاد بخشیده بر تو مبارک باد. باشد که بزرگ شود و از نیکوکاریش بهره مند شوی!). از این آموزش حضرت علیه السلام چند نتیجه می‌توان گرفت:

- ۱- هنگام تولد نوزاد، برای او و والدینش می‌توان دعا کرد و تولد فرزند را بر آنان تبریک گفت.
- ۲- فرزند و نوزاد، بخشش و نعمت خداوند است و باید از این بابت شکرگزار او بود.
- ۳- به سن بلوغ رسیدن و رشد یافتن فرزند و صالح و نیکوکار بودن او، دعای مناسبی هنگام ولادت است.
- ۴- نیکوکاری فرزندان به پدران و مادرانشان بهره می‌رساند.
- ۵- بر افراد آگاه لازم است از دعاهای ناصواب و ناپسند جلوگیری کنند و دعاهای درست را آموزش دهند.

۶- دعاهای شخصی و مالی:

چند دعای حضرت علی علیه السلام تعبیری شخصی دارد ولی نه هر شخصی بلکه شخصیت‌هایی همچون نبی اکرم (ص) و سلمان فارسی و یک دعا رویکردی مادی و مالی دارد ولی کلی و در حد حفظ آبرو و جایگاه و بی‌نیازی از غیر خدا، گرچه جنبه آموزشی آن را نباید از نظر دور داشت.

۶-۱- دعا برای رسول اسلام(ص):

حضرت امیر علیه السلام در یک مورد دعای صریح خود را برای رسول اسلام(ص) قرار می‌دهد گرچه بزرگداشت آن حضرت(ص) و استناد به سنت و حدیث رسول خدا(ص) در سراسر نهج البلاغه موج می‌زند. این مورد، بخشی از خطبه ۱۰۶ است:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَعَ الْإِسْلَامَ ... حَتَّى أَوْزَى قَبْسًا لِقَابِسٍ وَأَنَارَ عِلْمًا لِحَابِسٍ ...
اللَّهُمَّ اقْسِمْ لَهُ مَقْسَمًا مِنْ عَدْلِكَ وَ اجْزِهِ مَضْعَفَاتِ الْخَيْرِ مِنْ فَضْلِكَ. اللَّهُمَّ أَعْلِ
عَلَى بِنَاءِ الْبَنَانِ بِنَاءَهُ وَ أَكْرِمْ لَدَيْكَ نُزُلَهُ وَ شَرِّفْ عِنْدَكَ مَنَزَلَهُ وَ آتِهِ الْوَسِيلَةَ وَ
أَعْطِهِ السَّنَاءَ وَ الْفَضِيلَةَ وَ اخْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ غَيْرَ خَزَايَا وَ لَا نَادِمِينَ وَ لَا نَاكِبِينَ
وَ لَا نَاكِبِينَ وَ لَا ضَالِّينَ وَ لَا مُضِلِّينَ وَ لَا مُفْتُونِينَ»، (حمد و سپاس، از آن
خداوند است که [دین] اسلام را شریع کرد ... تا این که او [رسول خدا(ص)]
نوری را برای طالبان آن برافروخت و نشان پرفروغی برای گمراهان روشن کرد
... خداوندا! سهمی از عدالت خود برای او قرار بده و خیر فراوان از فضل و
بخشش خود به او پاداش بده؛ پروردگارا! بنیان [دین] او را نسبت به بنای دیگر
دین گذاران بالاتر قرار بده و جایگاه او را در نزد خود والا گردان و مقام او را
در محضر خود شریف قرار بده و به او وسیله [لازم برای تقرب به درگاهت و
ترویج دینت را] ارزانی دار و به او بزرگی و فضیلت بخشای. و ما را در گروه
[وزمره‌ی] یاران او قرار بده، بی‌آن که زیان کار، پشیمان، دوراز حق، پیمان
شکن، گمراه، گمراه کننده و فریب خورده باشیم).

این دعای حضرت علیه السلام در میان خطبه‌ای قرار دارد که با سپاس خداوند به سبب تشریح
دین مبین اسلام آغاز گردیده و با توصیف آن دین و یاد کرد ویژگی‌ها و برتری‌های آن، ادامه
یافته است و آن گاه به وصف رسول او پیام آور و مبلغ [دین اسلام روی آورده و سپس به دعا
برای آن حضرت(ص) و اجر و پاداش بیکران برای خود او و درخواست سر بلندی و ترویج دین
او انتقال یافته و به دعا و درخواست در مورد خود و مسلمانان برای قرار گرفتن در زمره یاران
و گرویدگان به رسول اسلام(ص) و مسلمان واقعی بودن، خاتمه یافته است. این کلام حضرت
علی علیه السلام چندین نتیجه به دست می‌دهد:

- ۱- برای پیامبران و پیامبر اسلام (ص) و ائمه‌ی معصومان علیهم‌السلام و اولیای الهی که مسئولیت ابلاغ یا ترویج دین و شریعت خداوند را دارند می‌توان دعا کرد.
- ۲- هدایت به دین اسلام و مسلمان واقعی شدن و پایداری بر آن، از امور مهم معنوی است و می‌تواند موضوع دعا باشد.
- ۳- یکی از نعمت‌های خداوند متعال، تشریح ادیان آسمانی و از جمله آنها، دین کامل و برتر اسلام است و لازم است خداوند را به خاطر آن، سپاس و ستایش کرد.
- ۴- حمد و ثنای خداوند به دلیل تشریح ادیان و برانگیختن رسولان، می‌تواند پیش درآمدی برای دعا در مورد اعتلاء و ترویج آن دین و نیز درخواست پاداش برای پیامبر آن باشد.
- ۵- پس از ستایش خداوند و پیش از دعا برای خود و دیگران، می‌توان برای انبیای الهی و نبی اسلام (ص) و امامان معصوم علیهم‌السلام و اولیای برحق خداوند دعا کرد و دعا برای آنان را پیش درآمدی برای درخواست خود قرار داد.
- ۶- دعا بهتر است با حمد و سپاس خداوند، به دلیل نعمت مرتبط و متناسب با آن [دعا] آغاز گردد.
- ۷- دعاهای معنوی و از جمله درخواست هدایت و مسلمان واقعی بودن را باید از حالت شخصی خارج کرد و به صورت جمع و همراه با دیگران مطرح ساخت.

۶-۲- دعا از رسول خدا(ص)

حضرت علی علیه‌السلام در یک مورد، دعای خود را از حضرت محمد(ص) مطرح می‌کند؛ این در حالی بوده که جسد مبارکش را غسل می‌داده است از رسول خدا(ص) (رک: ابن ابی الحدید، ۲۴/۱۳):

«بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ لَقَدْ انْقَطَعَ بِمَوْتِكَ مَا لَمْ يَنْقَطِعْ بِمَوْتِ غَيْرِكَ مِنَ النَّبُوَّةِ وَ الْإِنْبَاءِ وَ أَخْبَارِ السَّمَاءِ ... يَا بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي اذْكَرْنَا عِنْدَ رَبِّكَ وَ اجْعَلْنَا مِنْ بَالِكَ»، (خطبه ۲۳۵، ای رسول خدا! پدر و مادرم فدای تو باد، با مرگ تو، پیامبری و پیام دهی و خبرهای آسمانی بریده گشت [و پایان پذیرفت] اموری که با مرگ دیگران رخ نداد ... پدر و مادرم فدای تو باد! ما را در پیش گاه پروردگارت یاد آور و ما را در یاد خود نگهدار).

این کلام حضرت علیه السلام که در آن موقعیت خاص و در حالت غسل دادن رسول خدا(ص) ایراد گردیده و تجلیل آن حضرت(ص) و ذکر برخی خصوصیات و فضایل او و پذیرفتن سرنوشت و تقدیر خداوند در وفات او و آن گاه دعا و درخواست از او(ص) را در بر دارد، نتایجی به دست می‌دهد:

- ۱- از رسول خدا(ص) و دیگر انبیاء و امامان معصوم علیهم السلام و اولیای برحق الهی، می‌توان دعا و درخواست داشت و آنان را واسطه و شفیع برای برآورده شدن دعاها قرار داد.
- ۲- دعا از اولیای الهی نیز بهتر است با تجلیل از ایشان و یادکرد فضائل و خصائص آنان آغاز گردد.
- ۳- دعا و درخواست از اولیای خداوند، محدود به زمان حیات آنان نیست و پس از وفات و از روح آن بزرگان نیز می‌توان درخواست کرد.
- ۴- دعا از اولیاء و بزرگان الهی بهتر است در امور معنوی و الهی و بالاترین آن‌ها یاد خداوند و جلب توجه و عنایت او باشد.
- ۵- افراد می‌توانند با واسطه و توسط اولیای الهی به مقام قرب و عنایت خداوند دست یابند.

۳-۶- دعا برای شخص خاص:

امیرمؤمنان علیه السلام تنها یک بار، در مورد یک شخص، آن هم سلمان، گرچه به صورت غیر صریح و کنایه‌ای و با لفظ «فلان» دعا کرده است (رک: دشتی، ۴۶۵). گرچه ابن ابی الحدید از فرد دیگری نام می‌برد (رک: ۳/۱۲-۵).

خطبه‌ی ۲۲۸ موضوع این دعای حضرت علیه السلام است:

«اللَّهُ يَا فُلَانُ، فَلَقَدْ قَوْمَ الْأَوْدِ وَ دَاوَى الْعَمَدَ وَ أَقَامَ السُّنَّةَ وَ خَلَّفَ الْفِتْنَةَ ... أَدَّى
إِلَى اللَّهِ طَاعَتَهُ وَ اتَّقَاهُ بِحَقِّهِ ...» (خداوند فلانی را بر آنچه آزمود، پاداش خیر
دهد. او که کجی‌ها را راست کرد و بیماری‌ها را در مان کرد و سنت پیامبر(ص)
را به پا داشت و فتنه‌ها را پشت سر گذاشت، عبادت و طاعتش را به درگاه
خداوند به جای آورد و به درستی تقوای الهی داشت ...).

از این کلام حضرت علیه السلام استفاده می‌شود، در مورد افرادی خاص، به شرط دارا بودن شرایطی همانند اطاعت از خداوند، پرهیزکاری، برپا داشتن سنت رسول خدا(ص)، برطرف

کردن انحرافات، درمان مشکلات، پشت سر گذاشتن فتنه‌ها و ... می‌توان دعا کرد. علاوه بر این، نتایجی دیگر نیز به دست می‌آید:

- ۱- دعا در مورد اشخاص خاص، تنها در صورت دارا بودن شرایطی جایز است.
- ۲- اشخاص بالاتر و برتر، می‌توانند در مورد افراد پایین‌تر و دون‌تر دعا کنند.
- ۳- خدایی بودن فرد، تقوای الهی داشتن، انجام واجبات، تلاش برای جلوگیری از انحرافات، درمان مشکلات، موضع‌گیری درست در موارد حساس و ... موجب جلب دعای اولیای الهی می‌شود.
- ۴- هنگام دعا برای اشخاص، یادکرد ویژگی‌ها و برتری‌های آنان و توجه داشتن به آن‌ها، شایسته و به جا به نظر می‌رسد.
- ۵- دعا در مورد افراد خاص نیز باید به درگاه خداوند باشد و می‌تواند درخواست اجر و پاداش برای او باشد.

۴-۶- دعا در مورد امور مالی و مادی:

در مجموعه دعاهای حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه، تنها یک مورد صراحت در امور مالی دارد. آن هم خطبه ۲۲۵ است:

«اللَّهُمَّ صُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ وَ لَا تَبْذُلْ (تَبْذُلْ) جَاهِي بِالْإِقْتَارِ فَاسْتَرْزِقْ طَالِبِي رِزْقِكَ وَ اسْتَعْظِفْ شِرَارَ خَلْقِكَ وَ ابْتَلِي بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِي وَ افْتَنَّ بِدَمِّ مَنْ مَنَعَنِي وَ أَنْتَ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ كُلِّهِ وَلِيُّ الْإِعْطَاءِ وَ الْمَنْعِ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»، (خدایا! آبرویم را با توانگری و بی‌نیازی نگه دار و شخصیتم را با تنگدستی فدا نکن که از روزی خواهان تو روزی بخواهم و از بدکاران خلقت، عفو و بخشش طلب کنم و به ستایش کسی که چیزی به من داد، دچار گردم و به نکوهش کسی که چیزی از من دریغ کرد، فریفته شوم. حال آنکه تو، بالاتر از همه اینها صاحب بخشیدن و بازداشتن هستی و «آل عمران، ۲۶؛ تو به همه چیزها توان داری»).

از این سخن گرانبار بر می‌آید که در امور مادی و مالی تا اندازه حفظ آبرو و محفوظ بودن شخصیت، فقط از خداوند درخواست کرد زیرا نیاز مالی و تنگدستی به درخواست از بندگان

خداوند و چه بسا افراد بدکار از میان آنان، می‌انجامد و چنین درخواست‌کننده‌ای را به پاس و ستایش از کسی که به او چیزی داده و نکوهش فردی که چیزی نداده، دچار می‌سازد. پس می‌توان چنین نتایجی به دست آورد:

- ۱- در امور مالی نیز می‌توان از خداوند درخواست کرد.
- ۲- دعا در امور مالی می‌تواند در حد حفظ آبرو و شخصیت و جایگاه فرد باشد.
- ۳- نیاز و تنگدستی چه بسا به رو آوردن و درخواست کردن از غیر خدا و فراموش کردن یاد خدا منجر شود.
- ۴- در صورت دعا در امور مالی نیز توجه داشتن به مشکلات منجر به ضرورت آن درخواست، شایسته و پسندیده به نظر می‌آید.
- ۵- دعا می‌تواند با کلام خداوند و ستایش او همراه باشد و با یاد و توکل بر او پایان پذیرد.
- ۶- برآورده شدن چنین دعایی و بازداشته شدن از آن نیز به دست خداوند است؛ زیرا او صاحب اختیار در همه امور و توانمند بر همه کارها است.

۷- نتایج:

- این پژوهش نتایجی به دست می‌دهد:
- ۱- بندگان برای دعا کردن نیز باید الگو و راهنما داشته باشند و پیامبران و امامان معصوم علیهم‌السلام بهترین آنان هستند؛ زیرا ایشان با لطف خداوند، معرفت بسیار و ادب والا به مقام و مرحله‌ای رسیده‌اند که رفتار و گفتارشان درست و بدون اشتباه است.
 - ۲- دعا باید به درگاه خداوند باشد و آغاز و اثنا و پایان آن با ذکر و ثنایای الهی همراه گردد؛ زیرا خداوند خالق همه موجودات و همه افراد است و همه امور در دست خود اوست.
 - ۳- موضوع دعا بهتر است در امور اعتقادی و معنوی، مصلحت کلی، منفعت عمومی باشد؛ گرچه می‌توان در امور مالی، تا اندازه‌ای که اعتقاد و روح در امان باشند، دعا کرد.
 - ۴- دعا‌های مهم و کلی باید به لفظ و ساختار جمع باشد، زیرا چه بسا عنایت خداوند به جمع بیش از یک فرد باشد و آثار دعا برای دعا کننده نیز بیشتر باشد.
 - ۵- در صورتی که آداب و دستورات دعا رعایت شود، با خواست خداوند، اجابت می‌شود؛ همانطور که همه دعا‌های حضرت علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه برآورده شده است.

منابع:

- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی، قم، ۱۳۳۷.
- ابن میثم بحرانی، میثم بن علی بن میثم، شرح نهج البلاغة، قم، دفتر نشر کتاب، ۱۳۶۲.
- أحمدی میانجی، مکاتیب الرسول، دار الحدیث، ۱۹۹۸ م.
- أمینی، عبد الحسین، الغدير فی الكتاب و السنة و الأدب، بیروت: لبنان، دار الكتاب العربی، ۱۳۹۷.
- همو، سیرتنا و سنتنا، دار الغدير للمطبوعات - دار الكتاب الإسلامی، بیروت: ۱۴۱۲.
- أویس، کریم محمد، المعجم الموضوعی لنهج البلاغة، مجمع البحوث الإسلامیة، مشهد، ۱۴۰۸.
- بحرانی، سید هاشم، الحدائق الناضرة، قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، بی تا.
- جواهری، محمد حسن، جواهر الكلام، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۶۷ ش.
- حسینی فیروزآبادی، مرتضی، فضائل الخمسة من الصحاح الستة، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت: ۱۳۹۳.
- خویی، سید ابوالقاسم، شرح العروة الوثقی للغروی، بی جا، مؤسسة إحياء آثار الأمام الخویی، ۱۴۲۶.
- خویی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، تهران: مکتبة الاسلامیة، ۱۳۵۸.
- دخیل، محمد علی، شرح نهج البلاغة، دار المرتضی، بیروت، ۱۳۷۶.
- دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه امام علی علیه السلام، مؤسسة مشهور للطباعة و النشر، قم: ۱۴۲۱.
- شوشتری، محمد تقی، بهج الصباغة فی شرح نهج البلاغة، انتشارات امیر کبیر، تهران: ۱۳۷۶.
- شهرستانی، علی، وضوء النبی (ص)، قم: ستاره، ۱۴۱۵.
- شهیدی، سید جعفر، ترجمه نهج البلاغه، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
- عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، قم: دار الحدیث للطباعة و النشر، ۱۴۲۶ ق.
- قندوزی، ینابیع المودة لذوی القربی، بیروت: دار الأسوة للطباعة و النشر، ۱۴۱۶.
- مجلسی، محمد تقی، لوامع صاحب قرانی، قم: انتشارات دار التفسیر، ۱۳۷۵ ش.
- مرعشی نجفی، سید شهاب الدین؛ شرح إحقاق الحق، قم: منشورات مکتبة آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- مظفر، محمد حسن، دلائل الصدق لنهج الحق، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، بی تا.
- مغنیه، محمد جواد، فی ظلال نهج البلاغة، تهران: انتشارات کلمة الحق، ۱۴۲۷.
- مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام شرح تازه و جامع بر نهج البلاغه، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۵.
- موسوی، سید عباس، شرح نهج البلاغة، بیروت: دار الرسول الاکرم - دار المحجة البيضاء، ۱۳۷۶.

- موسوی، فاخر، التجلی الأعظم، قم، بی تا، ۱۴۲۱.
- میلانی، محمد هادی، قادتنا کیف نعرفهم؟ قم، شریعت، ۱۴۲۶.
- همو، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، تهران، بعثت، ۱۳۷۷.
- همدانی، رضا، مصباح الفقیه (ط.ق) انتشارات مکتبه، قم: الدادری، بی تا.



